

تأثیرپذیری واژگانی زبان مندایی از زبان‌های رایج در خوزستان

یحیی مدرس‌ی تهرانی*

سهیلا احمدی**

چکیده

مقاله حاضر به بررسی تأثیرپذیری واژگانی زبان مندایی نوین گونه‌آهوازی از زبان‌های رایج در خوزستان پرداخته است. در این بررسی از دو روش میدانی و اسنادی با استفاده از ضبط داده‌ها از گویندگان بومی مندایی نوین و کنترل داده‌ها در فرهنگ زبان مندایی استفاده شده است. با بررسی داده‌ها مشاهده شد که زبان مندایی بیشترین میزان واژه‌های قرضی را از زبان فارسی به عنوان زبان معیار کشور ایران و زبان عربی به عنوان زبان رایج بخشی از مردم منطقه داراست و این واژه‌ها در روند انتقال از زبان مبداء به زبان مندایی دچار تحولات آوایی نسبتاً قابل ملاحظه و تحولات معنایی محدودی شده‌اند و بیشترین میزان این واژه‌ها را در حوزه معنایی ابزار و اشیاء مورد استفاده در زندگی روزمره شاهد هستیم.

کلیدواژه‌ها: زبان مندایی، برخورد زبانی، قرض‌گیری، تحولات آوایی، تحولات معنایی

۱. مقدمه

خصلت اجتماعی زبان به عنوان نهادی اجتماعی، آن را با بسیاری از پدیده‌ها، روندها و عوامل اجتماعی - فرهنگی پیوند می‌دهد. در واقع زبان صورت واحد و ثابتی ندارد و

* استاد پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ymodarresi@gmail.com
** دانش‌آموخته پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)،
soheilaahmadi61@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۵

واژگان زبان بیش از هر چیزی می‌توانند دگرگونی‌های اجتماعی را منعکس کنند. زبان و جامعه هر دو به عنوان پدیده‌های پویا، پیوسته در حال تغییر و دگرگونی هستند. جوامع انسانی از یک سو از درون خود همواره در حال تغییر و دگرگونی هستند و از یک سوی دیگر نیز بر اثر تماس با جوامع دیگر، تاثیرات متقابل از همدیگر می‌پذیرند. زبان‌ها نیز به تبعیت از جوامع خود ناگزیر با همدیگر تماس پیدا می‌کنند و بر هم تاثیر می‌گذارند. اصولاً تحول و دگرگونی زبان‌ها تحت تاثیر عوامل درون زبانی و برون زبانی از خصوصیات ذاتی هر زبان و گویشی است. اما آنچه امروزه شاهد آن هستیم، نه تنها تغییر تدریجی، که زوال یا نابودی بطیء این زبان‌هاست که هر روزه با تغییر شیوه‌های زندگی و گسترش ارتباطات جمعی و رسانه‌های گروهی، این روند سرعت و شدت بیشتری به خود می‌گیرد (بشیر نژاد، ۱۳۸۳: ۶۶).

انقراض یک زبان به معنای تقلیل توانایی‌های بشریت است و مرگ یک زبان به طور غیر قابل اجتنابی به نابودی و حذف بخش‌های مختلفی از میراث فرهنگی ناملموس می‌انجامد. پژوهش حاضر بر روی زبان مندایی (Mandaic language). نوین گونه اهواز صورت پذیرفته است. از زبان مندایی که دارای دو گونه کلاسیک (classical mandaic) و نوین (neo mandaic) است با حدود ۳۰۰ نفر سخنگوی بومی در اطلس زبان‌های در خطر یونسکو به عنوان یکی از زبان‌های ایران یاد شده که به طور جدی در معرض خطر انقراض قرار گرفته است. در بررسی اصل و منشاء زبان مندایی به قومی برمی‌خوریم که از آنان به عنوان مندائیان یا صابئین یاد می‌شود. مندائیان قومی هستند که به گمنامی در خوزستان زندگی می‌کنند و غیر از مردم خوزستان، مردم مناطق دیگر عمدتاً اطلاعی از موجودیت ایشان ندارند. مندائیان گروهی از اقوام سامی نژاد هستند که محل اصلی ظهور ایشان در فلسطین و اطراف رودخانه اردن بوده است و پس از هجرت از آنجا در ناحیه بین‌النهرین، در جنوب عراق و نیز در ایران در کنار رودخانه کارون سکنی گزیده‌اند (شیرالی، ۱۳۸۹: ۳۱). تعداد صابئین مندایی به درستی معلوم نیست. طبق آمار منتشر شده در ویراست بیستم اتنولوگ^۱ در سال ۲۰۱۷ جمعیت کلی مندائیان جهان چیزی حدود ۶۰ الی ۷۰ هزار نفر تخمین زده شده است که این جمعیت در کشورهای عراق، ایران، اردن، سوریه، سوئد، استرالیا، آمریکا، انگلستان، کانادا، آلمان، دانمارک و اندونزی پراکنده هستند. از میان این کشورها عراق با حدود ۱۰ هزار نفر و ایران با جمعیتی بالغ بر ۵ تا ۱۰ هزار نفر موطن اصلی مندائیان به شمار می‌روند. ظاهراً مندائینی که به زبان مندایی مسلط هستند از معدود سخنگویان این

زبان به شمار می‌آیند و درصد پایینی از جامعه مندایی را تشکیل می‌دهند و این زبان به عنوان زبان محاوره در معدودی از خانواده‌ها که غالباً خانواده‌های روحانیون یا وابستگان ایشان هستند، رواج دارد.

زبان مندایی یکی از شاخه‌های زبان آرامی *aramaic language* است که متعلق به خانواده زبانی حامی - سامی *hamito - semitic* می‌باشد (لیووین A.V.Lyovin، ۱۹۷۱: ۱۸۷). زبان آرامی در درخت پیشنهادی آراتو A.Arlotto (۱۳۷۳: ۷۴) برای زبان‌های حامی - سامی، زیر شاخه زبان‌های سامی قرار دارد که خود به سه گروه جنوب غربی، شمال غربی و شمال شرقی تقسیم می‌شود. زبان‌های سامی شمال غربی به دو شاخه زبان‌های آرامی و عبری تقسیم می‌شوند که زبان مندایی یکی از شاخه‌های زبان آرامی شرقی است.

پژوهش حاضر با تمرکز بر تأثیرپذیری واژگانی زبان مندایی از زبان‌های رایج در خوزستان در واقع به تأثیراتی که این زبان در برخورد‌های زبانی از دیگر زبان‌های منطقه پذیرفته، می‌پردازد. اصطلاح برخورد زبانی *language contact* را می‌توان به اشکال مختلف تماس دو زبان و تأثیرگذاری آنها بر یکدیگر تعبیر کرد که خود دارای جنبه‌های گوناگونی است که معمول‌ترین آنها قرض‌گیری زبانی یا همان رد و بدل شدن عناصری میان زبان‌ها است که می‌تواند از نوع قرض‌گیری واجی، واژگانی و یا دستوری باشد. مبحث تأثیرپذیری واژگانی که خود به سبب برخورد‌های زبانی به وجود می‌آید توجه برخی از جامعه‌شناسان زبان را به خود معطوف کرده است.

زبان فارسی به عنوان زبان رسمی کشور ایران تأثیرات خود را در حوزه‌های گوناگون بر روی دیگر زبان‌های رایج در کشور گذاشته است. با توجه به اینکه استان خوزستان محل سکونت اقوام مندایی در ایران است و نیز با توجه به رواج زبان عربی در این استان بالطبع زبان مندایی در برخورد زبانی با دو زبان فارسی و عربی تأثیراتی از آنها پذیرفته است. در این پژوهش نگارنده به این زبان با تأکید بر جنبه‌های زبان‌شناختی و بررسی مساله برخورد زبانی که از نکات جالب توجه در عرصه زبان‌شناسی اجتماعی به شمار می‌رود، پرداخته است. نگارنده با اتخاذ رویکرد زبان‌شناختی در این پژوهش قصد دارد اهدافی را دنبال کند که اولین و کلی‌ترین آنها معرفی زبان مندایی به عنوان یکی از زبان‌های در خطر ایران است. از جمله دیگر اهداف، بررسی تأثیرپذیری این زبان از دیگر زبان‌های منطقه - استان خوزستان - به ویژه در سطح واژگانی به شمار می‌رود. بررسی کمی واژه‌های قرضی هم-ریشه با زبان‌های فارسی و عربی که وارد این زبان شده‌اند نیز از جمله اهداف جزئی

پژوهش به شمار می‌رود. در پژوهش حاضر نگارنده به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش - هاست که این زبان بیشتر از کدام یک از زبان‌های رایج در منطقه تاثیر پذیرفته و این تاثیرات در چه سطوحی رخ داده‌اند و همچنین در فرآیند انتقال، واژه‌ها تا چه حد دچار تحولات آوایی و معنایی شده و کدام حوزه معنایی بیشترین تاثیر را در این روند پذیرفته است.

در این مبحث سعی می‌شود به برخی از پژوهش‌های صورت گرفته در مورد زبان مندایی نیز اشاره شود. قدیمی‌ترین آثار روش‌مند درباره مندائیان، مطالعات پترمن H.Peterman آلمانی است. پترمن آلمانی پایه‌گذار پژوهش‌های مندایی‌شناسی زبان‌شناختی به حساب می‌آید. نتایج پژوهش‌های وی کتاب‌های گنزا ربا *Ginza rabba* و دستور زبان مندایی *mandaic grammer* (پترمن، ۱۸۶۷) بود که به چاپ رسید. پس از کتاب‌های پترمن، کتاب دستور زبان مندایی *mandaisch grammatik* (تئودور نولدکه Th.Noldeke، ۱۸۹۵) منتشر شد. نولدکه زبان‌شناس، همچون پترمن، به مقایسه واژه‌های عبری، مندایی و سریانی پرداخت ولی نتوانست بیش از این یک کتاب در نشر و ترجمه آثار مندایی گام بردارد. از محققان دیگری که به طور خاص در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی به ویژه از جنبه زبان‌شناختی در مورد مندائیان انجام داده است، رودلف ماتسوخ R.Macuch. زبان‌شناس آلمانی است که به کلیه زبان‌های سامی از جمله زبان و خط مندایی مسلط و آشنا بود. غیر از مقالات مختلف در مورد زبان مندایی، مهمترین اثر او فرهنگ لغت مندایی *mandaic dictionary* است (ماتسوخ و دراور E.S.Drower، ۱۹۶۳). از جمله دیگر آثار وی می‌توان به کتاب مبانی مندایی کلاسیک و نوین *hand book of classical and modern mandaic* (ماتسوخ، ۱۹۶۵) اشاره کرد. از آخرین آثار ماتسوخ کتابی است به نام *لهجه محلی مندایی اهواز neo mandaic texts in the dialect of Ahwaz* (ماتسوخ ۱۹۹۳). اثر قابل ذکر دیگر کتاب *لهجه مندایی نوین خرمشهر the neo-mandaic dialect of Khorramshahr* (هابرل Ch.Haberl، ۲۰۰۹) است که توصیف جامع و کاملی از دستور زبان مندایی در آن ارائه شده است.

پیرامون موضوع مورد بررسی در این پژوهش کاری در داخل کشور صورت نگرفته است و متأسفانه این زبان از نقطه نظر زبان‌شناختی تا کنون در ایران چندان مورد اقبال پژوهشگران واقع نشده است و پژوهش‌های صورت گرفته غالباً کارهایی توصیفی هستند که در آنها بیشتر به جنبه دینی و فرهنگی این قوم توجه شده است.

نگارنده این جستار امیدوار است که انجام چنین پژوهش‌هایی در حفظ جنبه‌های زبانی این قوم مثمرتر واقع شود.

۲. روش پژوهش

در پژوهش حاضر از دو روش اسنادی و میدانی استفاده شده است. روش میدانی در این پژوهش - با توجه به در معرض خطر بودن زبان مندایی و تعداد کم سخن‌گویان بومی کاملاً مسلط بر این زبان - از طریق گفتگوی مستقیم و مصاحبه انجام پذیرفته است. روش اسنادی با استفاده از فرهنگ لغت مندایی (ماتسوخ و دراور ۱۹۶۳) به عنوان منبع اصلی و دست اول و یکی از کامل‌ترین فرهنگ‌های قابل اعتماد موجود از زبان مندایی و کتاب لهجه مندایی نوین خرمشهر (هابرل، ۲۰۰۹) به انجام رسید. همچنین نگارنده از تحلیل تطبیقی برای نشان دادن تصادفی نبودن تفاوت تاثیرگذاری زبان‌های دیگر استفاده می‌کند و سعی بر آن است تا عوامل مهم در تغییر و تحول زبانی را از نگاه جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار دهد. داده‌های پژوهش حاضر از گویندگان بومی مندایی نوین ساکن اهواز گردآوری شده است که شامل حدود ۱۳۵۰ واژه ساده و مرکب، ۵۰۰ جمله، دو داستان کوتاه و نیایش‌های روزانه مندائیان است که به صورت متون ضبط شده، گردآوری و آوانگاری شده‌اند.

۳. توصیف و بررسی داده‌ها

۱.۳. توصیف واجی مندایی نوین

زبان مندایی نوین آخرین مرحله از تغییرات آوایی و واجی مندایی کلاسیک را به ما نشان می‌دهد. عواملی چند مطالعه آواشناسی و واج‌شناسی مندایی نوین را تا حدودی پیچیده کرده است. اولین و بارزترین پیچیدگی مربوط به برخورد زبانهاست. قرض‌گیری گسترده از زبان‌هایی نظیر عربی و فارسی فهرست واجی مندایی نوین را دچار تغییر کرده است. دومین مانع، تعداد نسبتاً زیاد واج‌گونه برای هر واج است. علاوه بر این، تنوع تغییرات آوایی، واج‌های اصلی زبان را به گونه‌ای مبهم ساخته است (هابرل، ۲۰۰۹: ۱۱).

با استناد و بررسی داده‌های گردآوری شده در پژوهش حاضر، مندایی نوین گونه‌ای اهواز دارای ۳۲ واحد مجزای واجی است که متشکل از ۲۵ همخوان و ۷ واکه است که برخی از آنها دارای واج‌گونه‌هایی نیز هستند. واج‌های مذکور از طریق بررسی جفت‌های کمینه و

توزیع آنها در بافت‌های آوایی مختلف به دست آمده است. در میان این واحدهای واجی، واج‌های قرضی انسایشی پس‌لثوی /tʃ/ و سایشی‌لثوی کامی /ʒ/ از فارسی و انسایشی پس‌لثوی /dʒ/ احتمالاً از عربی، در اصل متعلق به مندایی نبوده‌اند و در طول زمان و در اثر برخورد‌های زبانی به فهرست واج‌های مندایی معرفی شده‌اند (هابرل، ۲۰۰۹: ۵۶). هابرل (۲۰۰۹) در پژوهش خود در بخش تحلیل آوایی و واجی نهایتاً به ۳۵ واحد واجی شامل ۲۸ همخوان و ۷ واکه دست یافته است که این تفاوت در تعداد واج‌های مندایی نوین در پژوهش هابرل و پژوهش حاضر ممکن است ناشی از تفاوت گویشی بین مندایی گونه اهواز و خرمشهر باشد که البته این بحث نیاز به بررسی‌های دقیق‌تر و گردآوری داده‌های بیشتر دارد.

با استناد به داده‌های گردآوری شده می‌توان گفت که الگوی واج‌آرایی در این گونه از زبان مندایی شامل CV، CVC و به ندرت CCV و CVCC است و کلمات نیز در این زبان متشکل از یک تا پنج هجا هستند.

۲.۳ تغییرات آوایی در واژه‌های قرضی

در بررسی و تحلیل داده‌ها شاهد هستیم که برخی واژه‌های قرضی با همان صورت و معنی زبان مبدا و در واقع بدون هیچ‌گونه تغییر و تحول در صورت یا معنی وارد زبان مندایی شده و توسط سخن‌گویان به کار برده می‌شوند. از میان این واژه‌ها به نمونه‌های زیر می‌توان اشاره کرد:

tur/ تور (فارسی)
lawn/ لون (عربی) به معنی رنگ

در میان واژه‌های قرضی شاهد نمونه‌هایی هستیم که با تغییرات آوایی در صورت ولی بدون تغییر در معنا توسط گویشوران مندایی به کار برده می‌شوند. این تغییر در صورت واژه یا نتیجه دگرگونی در واحدهای صوتی است مثل اولی /ʔoli/ به معنی آلو که از فارسی قرض گرفته شده است و یا احتمال دارد که بر پایه تلفظ فارسی محلی واژه‌ها قرض‌گیری انجام شده باشد مثل واژه ماما /ma'ma/ به معنی مادر بزرگ (گونه خوزستانی). در مواردی نیز شاهد فرآیند تغییر آوایی و بومی سازی واژه توسط وندهای مندایی در واژه قرضی هستیم مثل زغتا /zəgætta/ به معنی مرغ که با تغییراتی در واحدهای صوتی کلمه زاغا

تأثیرپذیری واژگانی زبان مندایی از زبان‌های رایج در خوزستان ۷

/zaxra/ به معنی خروس که از فارسی گرفته و افزودن پسوند تانیث و افزونه به پایان واژه ساخته شده است.

مرغ $\text{zægætta?} \sim \text{zægæ} . \text{tt} \text{ } \ddot{\text{a}}$

افزونه پسوند تانیث زاغ - فارسی

در میان واژه‌های قرضی یافته شده در داده‌های پژوهش بخشی از آنها بدون هیچ‌گونه تغییر صوری یا آوایی در مندایی نوین مورد استفاده قرار می‌گیرند اما برخی دیگر از آنها در انتقال از زبان مبداء به زبان مندایی در چارچوب فرآیندهای زیر دچار تغییراتی شده‌اند.

درج واکه insertion . - کوتاه‌سازی shortening . - افتادگی lowering و پیشین‌شدگی fronting واکه - افراشته‌شدگی raising - سایشی‌شدگی spirantization . - نرم‌شدگی lenition - تشدیدزدایی degemination - مرکب‌شدگی diphthongization - واکدارشدگی voicing

۳.۳ تغییرات معنایی در واژه‌های قرضی

در کنار تغییرات آوایی در واژه‌های قرضی گاه شاهد تغییرات معنایی این واژه‌ها نیز هستیم. در چنین شرایطی، وقتی که واژه از زبان مبداء وارد زبان مقصد می‌شود حوزه معنایی‌اش تغییر می‌کند. فرمول کلی این تغییرات معنایی را می‌توان این گونه تعریف کرد:

$X(A) \longrightarrow X(B)$

در این دسته از تغییرات معنایی X (صورت واژه) به طور ثابت از زبان مبداء به زبان مقصد منتقل می‌شود ولی در زبان مقصد با معنایی کاملاً متفاوت به کار برده می‌شود. مثل هویج */havidʒ/* که در فارسی نام یکی از انواع سبزیجات است ولی معنای آن پس از ورود به زبان مندایی تغییر کرده و در معنای دارو به کار برده شده است.

در این روند انتقال با کاهش معنایی مواجه هستیم که می‌توان به شکل زیر فرمول‌بندی کرد:

$X(A) \longrightarrow X(A - B)$

در این دسته از تغییرات X (صورت واژه) به طور ثابت از زبان مبداء وارد زبان مقصد می‌شود ولی در زبان مقصد با کاهش معنایی به کار برده می‌شود، مثل پتی */pæti/* که از زبان

فارسی گرفته شده که در فارسی معانی از قبیل خالی بیهوده، عریان، لخت، برهنه، آشکار و واضح دارد ولی در مندایی نوین فقط به معنی خالی استفاده می‌شود. نوع دیگر از این تغییرات معنایی گسترش معنایی است که می‌توان به شکل زیر فرمول-بندی کرد:

$$X(A) \longrightarrow X(A + B)$$

در این نوع از تغییر معنایی X (صورت واژه) به طور ثابت از زبان مبدا وارد زبان مقصد می‌شود ولی در زبان مقصد گسترش معنایی می‌یابد و در معنایی علاوه بر معنای رایج در زبان مبدا به کار می‌رود مثل کلمه پر /pær/ که در فارسی در معنای پر پرندگان مورد استفاده است ولی در مندایی نوین در معنای پر پرنده و برگ درخت به کار برده می‌شود و یا کلمه زنجیر /zændʒir/ که علاوه بر معنای زنجیر در مندایی نوین در معنای زیپ نیز به کار می‌رود.

۴.۳ بررسی تکواژها، الگوهای ساختی و واژه‌های قرضی

برای جمع بستن واژه‌های بومی مندایی از شیوه‌های مختلفی استفاده می‌شود ولی شیوه غالب افزودن پسوند -an- پس از ستاک است که برای تمامی اسامی جاندار و بی‌جان و اسامی مذکر و مونث به کار می‌رود. با بررسی داده‌ها و به ویژه واژه‌های قرضی دیده می‌شود که برای جمع بستن این واژه‌ها از تکواژ جمع‌ساز -ha- که گاه نیز به صورت -a- پس از همخوان‌ها می‌آید، استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد این تکواژ از زبان فارسی قرض گرفته شده است. بنا بر نظر هابرل (۲۰۰۹: ۱۳۰) استفاده از پسوند جمع فارسی شاید نشان‌دهنده این واقعیت باشد که زبان فارسی بزرگترین منبع از واژه‌های قرضی در گونه‌های ایرانی از زبان مندایی است که حتی برخی از این کلمات در نهایت خود دارای اصل و ریشه عربی هستند. در هر حال این پسوند جمع برای واژه‌های قرضی غیر فارسی نیز به کار می‌رود و از آنجا که این پسوند هرگز در کلمات مندایی اصیل دیده نمی‌شود، وجود آن بدون در نظر گرفتن اصل و ریشه کلمه نشانگر قرضی بودن واژه است. نمونه‌های زیر از داده‌های پژوهش حاضر انتخاب شده است:

چنگ (فارسی) \longrightarrow [tʃæŋg. a]

[tʃæŋ]

درویش (فارسی)	→	[dærvɪʃ. a]	[dærvɪʃ]
بچه (عربی)	→	[dʒɪhɛl. a]	[dʒɪhɛl]
رزق (عربی)	→	[rezɟ. a]	[rezɟ]

همچنین با بررسی داده‌ها در مقوله صفت نیز شاهد هستیم که مندایی نوین در ساخت صفت تفضیلی و عالی از پسوند -tær و -tærin که از فارسی قرض گرفته شده‌اند، استفاده می‌کند.

بهترین [box. tær. tærin] کوچک‌تر [honin. tær] امروزه در مندایی نوین افعال مرکب بر پایه الگوی افعال مرکب فارسی ساخته می‌شوند و اکثراً اجزاء غیر فعلی این افعال واژه‌های قرضی از فارسی یا عربی هستند. اجازه دادن /ʔedʒazɛ ʔehvæt/ شنا کردن /ʃeno ʔovad/ دادن - مندایی اجازه - عربی، فارسی کردن - مندایی شنا - فارسی در میان داده‌های گردآوری شده، واژه‌های قرضی را که از زبان‌های دیگر در اثر برخورد‌های زبانی وارد مندایی نوین شده‌اند اینگونه می‌توان دسته‌بندی کرد:

- **واژه‌های قرضی فارسی:** این گروه از واژه‌ها در زبان عربی وجود ندارد و به نظر می‌رسد که مستقیماً از فارسی وارد مندایی شده‌اند مثل /damæd/ داماد، /cæman/ کمان، /ʃikar/ شکار. ریشه برخی از واژه‌هایی که در این دسته قرار داده‌ایم پهلوی است ولی از آنجا که با تلفظ فارسی معیار توسط سخن‌گویان مندایی ادا می‌شوند، در دسته واژه‌های قرضی فارسی قرار داده شده‌اند مثل /madijan/ مادیان، /færhæɲ/ فرهنگ، /baz/ باز (پرنده شکاری).
- **واژه‌های قرضی عربی - فارسی:** در این گروه مشخص نیست که واژه قرضی از عربی وارد زبان مندایی شده یا از فارسی زیرا این واژه‌ها دارای اصل و ریشه عربی هستند ولی مدت بسیار طولانی است که وارد زبان فارسی شده‌اند و به طور روزمره و توسط عموم به کار برده می‌شوند مثل /sælam/ سلام، /robʔ/ ربع، /hæɟ/ حق.

- **واژه‌های قرضی عربی:** این گروه از واژه‌ها مستقیماً از زبان عربی وارد مندایی شده‌اند و در فارسی مورد استفاده نیستند مثل /sej/ شمشیر، /dʒihel/ بچه، /loʔbæ/ عروسک.

- **سایر واژه‌های قرضی:** این گروه از واژه‌ها شامل واژه‌های قرضی نظیر واژه‌های فرنگی فارسی، ترکی، واژه‌های معرب، ترکیبات مندایی + فارسی، مندایی + عربی، مندایی + فارسی - عربی و مواردی شامل ترکی - فارسی، مندایی + معرب، معرب + فارسی، فرنگی - فارسی + فارسی است.

- **واژه‌های فرنگی - فارسی:** در میان داده‌های پژوهش حاضر واژه‌هایی مشاهده می‌شوند که دارای اصل و ریشه فرانسوی، روسی، یونانی و ... هستند و در زبان فارسی نیز به کار برده می‌شوند که به نظر می‌رسد از طریق فارسی وارد مندایی شده باشند مثل /ʔescenas/ اسکناس با ریشه روسی، /telvezjun/ تلویزیون با ریشه فرانسوی.

- **ترکیب‌های فارسی - مندایی:** در این گروه ریشه کلمه قرضی فارسی است ولی توسط پسوندهای مندایی به گونه‌ای بومی سازی شده است مثل:

جوان /dʒovanqaʔ ~ dʒovan . qā
پسوند مندایی جوان - فارسی

(بدون تغییر در معنا)

اره /ʔærraʔ ~ ʔærr . ā
افزونه (پسوند آوایی) اره - فارسی

در مواردی نیز در کلمات مرکب بخشی از ترکیب فارسی و بخش دیگر مندایی است مثل:

کمتر /bæsurtæʔ ~ bæsur . tæṛ
تر - فارسی کم - مندایی

- **واژه‌های معرب:** این گروه از واژه‌ها در واقع صورت معرب واژه‌هایی با ریشه‌های مختلف هستند از جمله از ریشه یونانی مثل /dʒografija/ جغرافیا، از ریشه سنسکریت مثل /semsar/ سمسار، از ریشه فارسی مثل /dehgan/ دهقان. برخی از این واژه‌های معرب در فارسی نیز مورد استفاده هستند و از آنجا که سخن‌گویان

مندایی این واژه‌ها را با تلفظ فارسی معیار ادا می‌کنند این احتمال وجود دارد که از طریق زبان فارسی به مندایی نوین وارد شده باشند.

- ترکیبات مندایی - عربی: در این گروه از واژه‌های مرکب بخشی از ترکیب از زبان مندایی و بخش دیگر از زبان عربی است.

جنگ کردن /for ʔovadʔ ~ʃor . ʔovad

کردن - مندایی جنگ، دعوا - عربی

کفش دوز /hajtʰ gendæræʔ ~hajtʰ . gendæræ

کفش - عربی دوزنده - مندایی

- ترکیب‌های مندایی - عربی فارسی و مندایی - فرنگی فارسی: در این گروه از واژه‌های مرکب بخشی از ترکیب از زبان مندایی و بخشی دیگر واژه‌های عربی - فارسی یا فرنگی - فارسی است که با هم ترکیب شده و توسط گویندگان بومی زبان مورد استفاده قرار می‌گیرند.

پارچه فروش /ʔemzæbben gomaʃʔ ~ʔemzæbben . gomaʃ

پارچه - عربی فارسی فروشنده - مندایی

سر بطری /rif ʔæl botʰorʔ ~rif . ʔæl . botʰor

بطری فرنگی فارسی حرف اضافه مندایی سر - مندایی

طبقه‌بندی واژه‌ها در جدول زیر بر اساس کنترل واژه‌ها در فرهنگ ماتسوخ و فرهنگ معین صورت پذیرفته است. به علاوه از شم زبانی سخنگویان بومی عرب زبان ساکن منطقه مورد بررسی نیز برای بالا بردن دقت بررسی‌ها استفاده شده است. با استناد به بررسی‌های صورت گرفته میزان درصد و فراوانی واژه‌ها به تفکیک زبان به ترتیب زیر است:

جدول ۲- درصد و فراوانی واژه‌های قرضی در مندایی نوین به تفکیک زبان‌ها

زبان	فراوانی	درصد
فارسی	۱۸۴	۳۰/۷
عربی - فارسی	۱۷۲	۲۸/۶
عربی	۱۰۳	۱۷/۲

۲۳/۵	۱۴۱	سایر
۱۰۰	۶۰۰	مجموع

همان‌گونه که از جدول فوق می‌توان دریافت میزان قرض‌گیری واژگانی مندایی نوین از زبان فارسی به عنوان زبان معیار مردم منطقه نسبت به زبان عربی که زبان رایج بخشی از مردم منطقه به شمار می‌رود، بیشتر است. از آنجا که تلفظ گویندگان بومی مندایی نوین در کاربرد واژه‌های عربی - فارسی و فرنگی - فارسی به معیار شباهت دارد به نظر می‌رسد که این واژه‌ها از طریق زبان فارسی به مندایی نوین راه یافته باشند.

۵.۳ بررسی حوزه‌های معنایی واژه‌های قرضی

با بررسی حوزه‌های معنایی داده‌های پژوهش حاضر، واژه‌های قرضی زبان مندایی نوین را به ترتیب فراوانی این گونه می‌توان دسته‌بندی کرد:

جدول ۳ - درصد واژه‌های قرض‌گیری شده در مندایی نوین به تفکیک حوزه‌های معنایی

درصد	معنی	مثال	حوزه معنایی واژه
۱۹.۸	آینه - گیوه - پتو - قلیان - سکه	/ʔejnæc, jive, pætu, ɢeljan, seccæ/	۱. اشیاء
۱۲.۶	کشف - فیزیک - متر - برق - طیف	/cæʃf, fizic, metr, bærg, tejf/	۲. واژه‌های علمی
۱۰.۶	تیشه - گرز - میخ - پارو - تبر	/tifa, gorz, mix, paru, tʰæber/	۳. ابزار
۹.۹	سیب - ژله - چای - سوپ - آلو	/sib, ʒele, tʃohi, sup, ʔoli/	۴. خوراکی‌ها

۹.۷	طلاق - ازدواج - جهیزیه - شهید	/tælag, gævin, dzæhizije, fæhid/	۵. واژگان فرهنگی
۶.۲	بابا - داماد - مادر بزرگ - مادری - نوه	/bawa, damæd, mama, nævc/	۶. واژگان خویشاوندی
۶	دنده - شانه - غضروف - عرق	/dænda, fa'n, gozruf, ?æraeq/	۷. اعضای بدن و واژه - های مربوط به بدن انسان
۵.۵	پلیس - پرستار - دکتر - بقال	/polis, pæræstar, doctor, bægala/	۸. شغل
۵.۲	رأی - استقلال - انقلاب - دولت	/ræ?j, ?esteglal, ?engelab, dowlæt/	۹. واژه‌های سیاسی
۴.۴	برگ - گل - باغ - ریشه - جنگل	/pær, gul, bostan, riše, dzæpjael/	۱۰. طبیعت
۳.۷	باز - آهو - خروس - زنبور	/baz, ?ahu, zava, zæmbur/	۱۱. حیوانات
۳	دکان - زندان - پل - - جبهه	/dokan, zendan, pol, dzebhe/	۱۲. مکان
۱.۷	شاخ - پشم - نعل - - مدفوع حیوان	/fax, pæfem, næ?la, særjin/	۱۳. واژگان مربوط به حیوانات
۱.۷	دفاع - بمباران - حمله هوایی	/defa?, bombaran, hæmleje hævaji/	۱۴. واژگان مربوط به جنگ

با توجه به جدول ۳ و درصدهای به دست آمده از تفکیک واژه‌های قرضی بر اساس حوزه‌های معنایی مشاهده می‌کنیم که بیشترین واژه‌های قرضی در سه حوزه اشیاء، واژه‌های علمی و ابزار به کار می‌رود. واژه‌های قرضی دیگری نیز در حوزه‌های معنایی دیگر مشاهده شد که به دلیل کم بودن تعداد در جدول فوق قرار داده نشد. برخی از واژه‌ها مثل /feʃar/ فشار، در گروه‌های مختلف می‌تواند قرار گیرد که برای دستیابی به آمار نسبتاً دقیق‌تر در گروه پرکاربردتر گذاشته شده است.

بنا بر نظر هابرل (۲۰۰۹: ۳۵) وقتی که واژه‌های مندایی نوین را در نظر بگیریم، نسبت واژگان قرضی به واژگان بومی بالا می‌رود و از این رو مندایی نوین با زبان‌های دیگری مثل فارسی و حتی انگلیسی قابل قیاس است. مقولات معنایی خاصی در این زبان توسط واژگان قرضی اشباع شده‌اند و این در حالی است که مقولات دیگری تقریباً از هرگونه تاثیر خارجی در امان مانده‌اند. به عنوان مثال در حوزه اعداد کاربردی، اغلب اعداد، فارسی هستند در حالی که گویندگان بومی این زبان با اعداد در هر دو زبان آشنا هستند. آنها معمولاً زمانی از اعداد مندایی استفاده می‌کنند که بخواهند دقیق‌تر و آگاهانه‌تر صحبت کنند. با توجه به نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر این نظر هابرل قابل تایید است.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر تلاش شد تا به بررسی تاثیرپذیری زبان مندایی نوین از زبان‌های رایج در خوزستان به ویژه در سطح واژگانی پرداخته شود. همانطور که مشاهده شد زبان فارسی به عنوان زبان معیار کشور ایران و استان خوزستان بیشترین تاثیر را در سطح آوایی و معنایی بر مندایی نوین داشته است. از آنجا که مندائیان صنعت‌گرانی ماهر هستند و در آهنگری و ساخت وسایل جنگی و کشاورزی و طلا و جواهرات و انواع معرق‌کاری مهارت ویژه‌ای دارند بیشترین واژه‌های قرضی را با استناد به داده‌های گردآوری شده در حوزه اشیاء و ابزار و واژه‌های علمی شاهد هستیم. واژه‌های قرضی در روند انتقال از زبان مبداء به مندایی نوین دچار تغییرات آوایی قابل ملاحظه و تغییرات معنایی محدودی شده‌اند.

پی‌نوشت

1 . <https://www.ethnologue.com>country>

کتاب‌نامه

آرلاتو، آنتونی. ۱۳۸۴. *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*. ترجمه یحیی مدرسی تهرانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
بشیرنژاد، حسن. (۸۴-۱۳۸۳). *زبان‌های محلی ایران و خطر انقراض*. فصلنامه فرنگ مردم ایران، شماره

شیرالی، عادل. ۱۳۸۹. صائبین راستین، تهران: انتشارات بصیرت.
عربستانی، مهرداد. ۱۳۸۷. تعمیدیان غریب، تهران: نشر افکار

- Drower, E.S and Macuch, R.A. 1963. A Mandaic Dictionary. Michigan: Axford At the clarendon press.
- Haberl, ch. G.2009.The Neo – Mandaic Dialect of Khorramshahr .wiesbaden: Harrassowitz.
- Lyovin, A. 1997. An Introduction to the languages of the world. New York: Oxford University Press.
- Macuch, R. 1993. Neumandäische Texte im Dialekt von Ahwäz. Wiesbaden: Harrassowitz Verlag.
- Macuch, R. 1965. Hand Book of Classical and Modern Mandaic. Berlin: Walter de Gruyter and Co.
- Noldeke, Th. 1895. Mandaean Grammar. Eugene,United States: Wipf and stock Publishers.

